

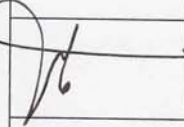


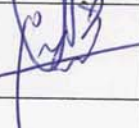
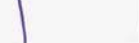
در آغاز کلمه بود

و کلمه نزد خدا بود

و کلمه خدا بود...

تأییدیه اعضای هیأت داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیأت داوران نسخه نهایی پایان نامه آقای / محترم محمدالدین رضوی / تحت عنوان:
 بر ساحت گفتار معنای سیاسی؛ مطالعه موردی گفتار معنای سیاسی بر ساحت در جریان دهه‌ی استخوابت
 ریاست جمهوری در ایران
 را از نظر شکل (فرم) و محتوی بررسی نموده و پذیرش آن را برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
 پیشنهاد می‌کنند.

ردیف	اعضای هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضا
۱	استاد راهنما	محمد حافری	استادیار	
۲	استاد مشاور	شیرین	استادیار	
۳	نماینده تحصیلات تکمیلی	بابک منوچهری	استادیار	
۴	استاد ناظر	محمد رضا دهری	استادیار	
۵	استاد ناظر			

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی

دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

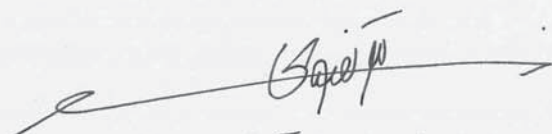
تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آیین‌نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه می باشد، باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در

شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.


عمادالدین مرسوی

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد / رساله دکتری نگارنده در رشته جامعه‌شناسی
است که در سال ۱۳۹۰ در دانشکده علوم انسانی دانشگاه

تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم / جناب آقای دکتر علی محمد حاضری، مشاوره سرکار

خانم / جناب آقای دکتر محمد رضایی و مشاوره سرکار خانم / جناب آقای دکتر

از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه‌های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می‌تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می‌کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می‌تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می‌دهد به

منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای

عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب عبدالرشید مراد دانشجوی رشته جامعه‌شناسی مقطع کارشناسی ارشد

تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می‌شوم.

عبدالرشید مراد
نام و نام خانوادگی:

عبدالرشید مراد
تاریخ و امضا:

۹۵ / ۵ / ۱



دانشکده : علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد

گرایش: جامعه شناسی

عنوان پایان نامه:

برساخت گفتمان سیاسی: مطالعه موردی گفتمان سیاسی برساخته در جریان دهمین دوره

انتخابات ریاست جمهوری در ایران

نام دانشجو:

عمادالدین مرتضوی

استاد راهنما:

دکتر علی محمد حاضری

استاد مشاور

دکتر محمد رضایی

تیرماه 90

چکیده

این پژوهش در پی آن است تا با اتکا به نظریه‌ی گفتمانی لکلاء و موف به چگونگی برساخت گفتمان سیاسی سبز در جریان انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ در ایران بپردازد. این «چگونگی» ناظر به دو بعد خواهد بود که از سویی متوجه صورت‌بندی گفتمان سبز و ارتباط دال‌ها در آن با هم است و هم از سویی دیگر به این مهم متمرکز است که این گفتمان بدین شکل، از چه طریقی شکل گرفته است. بدین منظور با استفاده از روش تحلیل گفتمان لکلاء و موف با مروری بر تاریخچه دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و نیز پاره‌ای شعارها، استراتژی‌های انتخاباتی و همچنین بررسی متون تولید شده پس از انتخابات سعی شده است تا به پرسش فوق پاسخ داده شود.

لکلاء گفتمان‌ها را از لحاظ منطق فرمال برساخت به دو گونه‌ی دموکراتیک و پوپولار تقسیم می‌کند. گفتمان‌های دموکراتیک با به کار انداختن منطق تفاوت (تکیه بر بُعد انضمامی مطالبات و جزئی) و تقویت زنجیره‌های تفاوت برساخت می‌شوند. بلعکس گفتمان‌های پوپولار با به حرکت انداختن منطق هم‌ارزی (در کنار هم قرار دادن مطالبات و فراتر بردن آن‌ها از جزئیت خود) و تقویت زنجیره‌های هم‌ارزی شکل می‌یابند.

در نتیجه‌ی این بررسی، گفتمان سبز به مثابه یک گفتمان پوپولیستی که از منطق فرمال برساخت گفتمان-های پوپولار بهره می‌گیرد، شرح داده می‌شود. در این پژوهش خواهیم دید چگونه گفتمان سبز برای ارائه‌ی هم‌بندی جدیدی از دال‌های محوری نظام از جمله «انقلاب» و «امام» وارد تخصص با گفتمان غالب حاکمیت می‌شود و در خلال این کشمکش هژمونیک تقویم می‌یابد. گفتمان سبز می‌کوشد تا با گسترش زنجیره‌ی هم‌ارزی بین مطالبات و هویت‌های متکثر اعم از «روشنفکران»، «زنان»، «فعالان سیاسی-اجتماعی»، «دانشجویان»، «هنرمندان»، «اقلیت‌ها» مطالبات کل را تحت دال تهی «انقلاب» و ایده‌ی بازگشت به انقلاب بازنمایی کند.

واژگان کلیدی: گفتمان، پوپولیسم، امر سیاسی، لکلاء، گفتمان سبز، انتخابات ریاست جمهوری

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
ب	فهرست نمودارها.....

فصل اول: کلیات پژوهش

۱-۱	بیان مسئله ۲
۲-۱	سؤالات پژوهش ۴
۳-۱	چارچوب مفهومی و فرضیات..... ۵
۴-۱	اهداف پژوهش ۶
۵-۱	پیشینه‌ی پژوهش ۸

فصل دوم: مبانی نظری

۱-۲	مقدمات نظری ۱۴
۱-۱-۲	سوژه متمرکز/سوژه مرکززوده ۱۴
۲-۱-۲	سوژه‌ی لکانی ۲۰
۲-۲	مبانی نظری لکلاء و موفه ۲۲
۱-۲-۲	تفاوت، معنا، گفتمان ۲۲
۲-۲-۲	هژمونی و تخاصم اجتماعی ۲۶
۳-۲	امر سیاسی ۲۸
۴-۲	سوژگی سیاسی ۳۲
۵-۲	پوپولیسم، بر ساخت یک مردم ۳۸

فصل سوم: ملاحظات روشی

۱-۳	موضع روش‌شناختی ۴۰
-----	--------------------------

۲-۳ گردآوری داده‌ها و نمونه‌گیری ۴۲

۳-۳ روش تحلیل داده ۴۳

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش

۱-۴ پیش از انتخابات ۵۰

۱-۱-۴ مختصری از وقایع پیش از انتخابات ۵۱

۲-۱-۴ تحلیل فرمان هشت ماده‌ای امام ۵۷

۱-۲-۱-۴ تاریخچه صدور فرمان هشت ماده‌ای ۵۷

۲-۲-۱-۴ فرمان هشت ماده‌ای: مانیفست حقوق شهروندی ۶۶

۳-۱-۴ موسوی و شعار بازگشت ۶۸

۴-۱-۴ تحلیل شعار «اصول‌گرای اصلاح‌طلب»: ژانوس پرتنش ۷۱

۲-۴ پس از انتخابات ۷۳

۱-۲-۴ مختصری از وقایع پس از انتخابات ۷۴

۲-۲-۴ تحلیل بیانیه‌های موسوی ۷۸

۱-۲-۲-۴ تحلیل بیانیه‌ی شماره یک ۷۹

۲-۲-۲-۴ تحلیل بیانیه‌ی شماره دو ۸۲

۳-۲-۲-۴ تحلیل بیانیه‌ی شماره سه ۸۵

۴-۲-۲-۴ تحلیل بیانیه‌ی شماره چهار ۸۹

۵-۲-۲-۴ تحلیل بیانیه‌ی شماره پنج ۸۹

۶-۲-۲-۴ تحلیل بیانیه‌ی شماره شش ۹۸

۷-۲-۲-۴ تحلیل بیانیه‌ی شماره هفت ۹۹

۸-۲-۲-۴ تحلیل بیانیه‌ی شماره هشت ۱۰۰

۹-۲-۲-۴ تحلیل بیانیه‌ی شماره نه ۱۰۲

۱۰۸.....	تحلیل بیانیه‌ی شماره ده.....	۴-۲-۱۰
۱۱۰.....	تحلیل بیانیه‌ی شماره یازده.....	۴-۲-۱۱
۱۱۸.....	تحلیل بیانیه‌ی شماره دوازده.....	۴-۲-۱۲
۱۱۹.....	تحلیل بیانیه‌ی شماره سیزده.....	۴-۲-۱۳
۱۲۲.....	تحلیل بیانیه‌ی شماره چهارده.....	۴-۲-۱۴
۱۲۵.....	تحلیل بیانیه‌ی شماره پانزده.....	۴-۲-۱۵
۱۲۸.....	تحلیل بیانیه‌ی شماره شانزده.....	۴-۲-۱۶
۱۳۱.....	تحلیل بیانیه‌ی شماره هفده.....	۴-۲-۱۷
۱۳۶.....	تحلیل بیانیه‌ی شماره هجده و منشور جنبش سبز.....	۴-۲-۱۸

فصل پنجم: تبیین نظری یافته‌های پژوهش

۱۴۳.....	سیاست به مثابه برساخت یک مردم.....	۵-۱
۱۴۵.....	شروع تخصص: مطالبه‌ی سبز.....	۵-۲
۱۴۸.....	گفتمان سبز؛ یک گفتمان پوپولار.....	۵-۳
۱۵۱.....	زمینه پیدایش گفتمان سبز.....	۵-۴
۱۵۳.....	چگونگی برساخت گفتمان سبز.....	۵-۵
۱۵۳.....	بازگشت به انقلاب.....	۵-۱-۵
۱۵۶.....	صورت‌بندی گفتمان سبز.....	۵-۲-۵
۱۶۴.....	موسوی به مثابه یک دال.....	۵-۶
۱۶۵.....	نتیجه‌گیری.....	۵-۷
۱۶۷.....	پژوهش‌های آتی.....	

فهرست منابع

پیوست (متن بیانیه‌ها)

فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۱۵۹	نمودار ۱-۵: دال‌های امام و انقلاب.....
۱۶۰	نمودار ۲-۵: دال قانون.....
۱۶۱	نمودار ۳-۵: دال اسلام.....
۱۶۲	نمودار ۴-۵: حق حاکمیت مردم.....
۱۶۳	نمودار ۵-۵: هم‌بندی هویت سبز.....

فصل ۱

کلیات پژوهش

درآمد

دانترو نظریه‌ی سیاسی^۱ را به چهار بخش عمده تقسیم می‌کند: پرسش کلاسیک پیرامون بهترین نوع حکومت و مناسب‌ترین رژیم، کنکاش‌های تحلیلی در باب مفاهیم مربوطه و روش‌شناسی، نظریه‌های مشروعیت، و دست آخر، مفهوم «امر سیاسی»^۲ (d'Entreves, 1971). «امر سیاسی» که در دهه‌های اخیر به مفهومی مناقشه برانگیز بدل شده است، اول بار در سال ۱۹۲۷ توسط کارل اشمیت، حقوق‌دان و نظریه‌پرداز سیاسی آلمانی در مقاله‌ی با عنوان «مفهوم امر سیاسی»^۳ معرفی شد. برای اشمیت «امر سیاسی» چیزی ورای سیاست حزبی، یا دستگاه سیاسی به معنی خاص و ... بود؛ وی «امر سیاسی» را به عنوان جوهر و ذات سیاست معرفی کرد تا بتواند سیاست را از سایر حوزه‌ها مانند اقتصاد یا فرهنگ مبری کرده و به آن خصوصیتی مستقل ببخشد. بعد از اشمیت نیز متفکران بسیاری با وام گرفتن این مفهوم مرکزی از وی، هر یک نوبه‌ی خود کوشیدند تا «امر سیاسی» را از متافیزیک و فلسفه جدا کرده و بین «امر سیاسی» و سایر فضاها و ابعاد زندگی مثل اقتصاد و اخلاق تمایز ایجاد کنند و بدین شکل به این مفهوم هویتی مستقل ببخشند. در بر اساس کانون توجه و ایده‌ی محوری بحث، می‌توان سه گونه مواجهه با «امر سیاسی»، که به درک‌های متفاوت از ماهیت آن منجر می‌شود را به شکل زیر

¹Political Theory

²The Political

³*The Concept of the Political*

«امر سیاسی» ترجمه‌ی نادقیقی به نظر می‌رسد و صرفاً به علت مرسوم بودن استفاده شده است؛ زبان آلمانی این امکان را برای اشمیت وی فراهم می‌کند تا با تمایز استفاده‌ی بین *des Politischen* و *das Politische*، مفهوم مورد نظر خود را ارائه دهد. هر دو این کلمات معنای «سیاسی» می‌دهند و تفاوت آن‌ها در کاربردشان است و متأسفانه این تمایز در فارسی ناممکن است. در زبان فارسی برای تمایز از حالت صفتی از الگوی «امر ...» استفاده می‌شود. مانند امر اجتماعی یا امر فرهنگی.

متصور شد: دسته‌ی اول ایده‌هایی است که «امر سیاسی» را در رابطه با و معطوف به «دولت»^۴ و حاکمیت مطرح می‌کنند (Schmitt, 1996 و Ricoeur, 1984). دسته‌ی دوم شامل ایده‌هایی می‌شود که «امر سیاسی» را با توجه به «پلیس»^۵ تعریف می‌کنند (Arendt, 1958 و Wolin, 1960). در دسته‌ی سوم - که برای این پژوهش از اهمیتی ویژه برخوردار است - «امر سیاسی» ناظر به «هژمونی» و «پراکسیس هژمونیک» فهمیده می‌شود. (Laclau & Mouffe, 1985 و Lefort, 1988). در دسته‌ی اخیر و به خصوص در کارهای متفکرانی چون لکلاء و موفه، «برساخت هویت سیاسی»^۶ در کانون توجه قرار می‌گیرد.

۱-۱ بیان مسئله

در پی دهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری در ایران که در تاریخ جمعه، ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ خورشیدی در کشور برگزار شد و پیرو مناقشات و درگیری‌های دنباله‌دار آن که در تاریخ سی‌ساله‌ی انقلاب ۵۷ بی‌سابقه می‌نمود، رخداد سیاسی خاصی کلید خورد. رخدادی که از دید بسیاری مفسران، بغرنج‌ترین چالش سیاسی حاکمیت سی‌ساله‌ی جمهوری اسلامی بود.^۷ حجم تجمع‌های خیابانی مردم در هفته‌های پیش از انتخابات، حضور در عرصه‌ی عمومی به نفع کمپین‌های انتخاباتی متفاوت و بدل شدن فضای عمومی به محل مباحثه‌های سیاسی^۸، برای اولین بار در کارزار انتخاباتی، در این ابعاد اتفاق می‌افتد. مهم‌تر از آن، در بعد از انتخابات نیز، این «رخداد» به شکل واضح‌تری با نمونه‌های مشابه خود فاصله گرفت و به رخدادی خاص بدل شد.

مسئله‌ی که این تظاهرات‌ها را از آن نمونه‌های مشابه جدا کرده و به آن‌ها اهمیت ویژه‌ای می‌دهد این است که «حضور سیاسی مردم در خیابان» و در کل «تظاهرات» در دهه‌های اخیر در ایران، همواره در

^۴The State

^۵The Polis

^۶Constitution of political Identity

^۷ برای نمونه نگاه کنید به آرشیو خبری سایت‌های اینترنتی ذیل: فرید ذکریا-تایمز و سی‌ان‌ان؛ عبدالکریم سروش - وبگاه شخصی؛ مراد فرهادپور - سایت رخداد؛...

^۸ این مسئله به حدی بارز بود که در نماز جمعه هفته پیش از انتخابات توسط آیت‌الله خامنه‌ای به آن اشاره شد.

راستای حمایت از نظامو در حکم «تجدید و تحکیم بیعت» با حاکمیت برگزار شده است. بسیج نیروها برای انجام تظاهرات همواره به شکل مستقیم یا غیرمستقیم با حاکمیت گره خورده و می‌توان گفت تا پیش از این هیچ تظاهراتی به طور کامل مستقل از دستگاه حاکمیت برگزار نمی‌شد - این در حالی است که طبق قانون اساسیایران، برگزاری هر گونه تجمع، بدون حمل سلاح چنانچه برضد مبانی جمهوری اسلامی نباشد، بلامانع است.

در نمونه‌ی وقایع پیش و به خصوص پس از انتخابات، فرم، حجم و نیروی شکل دهنده و سازمان بخش حضور سیاسی، با نمونه‌های دیگر متفاوت است. اولین «تظاهرات‌های سکوت» در ایران، در تدابیر شدید امنیتی، در هفته‌ی اول بعد از انتخابات دهم ریاست جمهوری اتفاق افتاد - که هم از محتوای این تظاهرات‌ها و هم از نظر سوژه‌های شکل‌دهنده‌ی آن برای این پژوهش دارای اهمیت نشانه‌شناختی و کارکردی ویژه است.

در پرتو این انتخابات و جریان‌ات پیرو آن، فضای جامعه به دو کمپ سیاسی تقسیم شد. از یک سو بدنه‌ی اصلی نظام جمهوری اسلامی و گروهی که نتایج انتخابات را پذیرفتند و در مقابل، گروهی که به تدریج با نپذیرفتن نتایج انتخابات راه به سوی دیگری از خط مستقیم نظام بردند. در این راه، هویت سیاسی جدیدی معروف به «هویت سیاسی سبز» ساخته شد و سوژه‌های سیاسی نوظهوری پدیدار شدند.^{۱۰} این پژوهش بوجود آمدن این هویت‌های جدید را در پرتو خلق گفتمانی تازه می‌بیند و می‌کوشد تا چگونگی شکل‌گیری گفتمان سبز که در این خلال ایجاد شده است را نشان دهد.

با نگرشی ریشه‌یی^{۱۰} باید به یاد داشت که این رخداد متعلق به حوزه‌ی «امر واقع» لکانی است. هر گفتمان سعی دارد این سیر اتفاقات را، این تکه از «امر واقع» را که نظم موجود همیشگی را بر هم زد، به شکلی تفسیر و بازنمایی کند تا «این اتفاق هم حل و فصل شده، پرونده‌اش بسته شود و همه چیز به حالت عادی برگردد». مسؤلان حکومتی در اظهار نظرات خود از این وقایع با عناوینی چون «آزمون

^{۱۰} اساساً «وجود» چنین هویتی را می‌توان با اشاره به «نمادها»، «رنگ»، «شعارها»، «جامعه‌های مجازی منسوب به آن»، «خلق ادبیات خاص پیرامون آن» و از این دست بدیهی دانست.

¹⁰ radical

الهی»، «تولد دوباره جمهوری اسلامی» و «واکسینه شدن نظام» یاد کردند^{۱۱} و یا وقایع پس از انتخابات ریاست جمهوری را «فتنه‌ی ۸۸» و «انقلاب مخملی ناکام» نامیدند. سرخ‌های آن اتفاقات در خارج از ایران رهگیری شده و کل جریان در سایه‌ی اقدامات خرابکارانه‌ی موساد و سی‌آی‌ای و ام‌آی‌سیکس بازنمایی می‌شود. عده‌ی دیگری که در سوی مخالف حاکمیت حضور دارند هر یک به طریقی با عباراتی چون «قیام سرخوردگان انقلاب خمینی»، «کوتای نظامی خزنده علیه مردم»، «خواسته‌های دموکراتیک طبقه متوسط ایرانی» سعی در نمادین کردن این «رخداد» دارند. اما چیزی که پر واضح است این است که این رخداد چون مربوط به حوزه‌ی امر واقع است، اساساً «بودن» اش در گرو خللی است که در نظم نمادین موجود برقرار شده و سر از نمادین شدن بازمی‌زند. این اتفاق به معنای کلمه رخدادی «تکین»^{۱۲} است.

۲-۱ سوالات پژوهش

لذا می‌توان سؤال اصلی این پژوهش را به شکل زیر بیان کرد:

«گفتمان سیاسی سبز چگونه ساخته شد؟»

باید توجه داشت، این چگونگی معطوف به دو بعد است: از یک سوی این پژوهش به صورت‌بندی و فرم شکل‌گیری گفتمان سبز خواهد پرداخت و از سوی دیگر به مکانیزم و سازوکار برساخت آن متمرکز خواهد شد.

^{۱۱} برای نمونه رجوع شود به <http://farsi.khamenei.ir/speech-index>: در مهر ۱۳۸۹ آیت‌الله خامنه‌ای در جمع مردم قم حضور ۴۰ میلیونی مردم کشور در دهمین انتخابات ریاست جمهوری را یک فراندوم بزرگ به نفع نظام دانست و اذعان داشت «دشمنان قصد داشتند با فتنه‌انگیزی این حضور پرشور را تحت‌الشعاع قرار دهند اما موفق نشدند و فتنه پارسال کشور را در برابر میکروب‌های سیاسی واکسینه کرد.»

^{۱۲}singular

۳-۱ چارچوب مفهومی و فرضیات

بدنه‌ی رویکرد نظری این پژوهش را نظریه‌ی گفتمان لکلاء و موف تشکیل می‌دهد. برای این نظریه تمام کنش‌ها واجد معنایی بوده که به شکل تاریخی و نظام‌مند کسب می‌شود. از نظر لکلاء و موف، همان گونه که معنای جزء جزء یک «گفتمان»، خارج از بافتی که در آن واقع می‌شوند، معنای ازپیشی^{۱۳} و ثابت ندارند؛ «معنا» یا «هویت یک گروه اجتماعی» یا سوژه‌ها نیز، یک امر ثابت و ازپیشی نیست و محصول قرار گرفتن آنان در «گفتمان»‌های متفاوت است. هویت هر سوژه، به مانند یک دال که در ارتباط با سایر دال‌ها معنا می‌یابد، وابسته به هر موقعیت خاص ساخته می‌شود. «گفتمان» به عنوان نظامی از پراکسیس‌های معنادار، در واقع افق معنادهی به شمار می‌آید. هر گفتمان، طبق توضیح لکلاء و موفه، حول یک مجموعه «دال‌های محوری»^{۱۴} شکل گرفته و حاصل تثبیت معنا در قلمرو آن‌هاست. سایر «اجزای گفتمان»^{۱۵} با توجه به این دال‌های محوری و در رابطه با آنها معنا پذیرفته و در شبکه‌ی معانی درون گفتمان جای می‌گیرند. (Laclau & Mouffe, 1985)

یک «گفتمان» و شکل‌گیری آن، خواه‌ناخواه، به نظر لکلاء و موف، عملی سیاسی است چرا که با «بیرون گذاشتن»^{۱۶} تمامی فضاهای گفتمانی ممکن^{۱۷} _ با مرکزکشدن بین درون و بیرون، خودی و غیرخودی _ همراه است (Laclau & Mouffe, 1985). ازپیش‌فرض‌های اساسی این نظریه، «حادث»^{۱۸} و «تاریخی» بودن گفتمان‌هاست که همین امر باعث می‌شود همواره ازسوی گفتمان‌های رقیب و «کنار گذاشته شده» در معرض تغییر قرار بگیرند. به بیان دیگر، «کنش سیاسی» در دید لکلاء و موف، پراکسیس در راستای برهم‌زدن نظام تثبیت شده‌ی معنا در گفتمان غالب و بازتعریف اجزاء آن حول دال‌های محوری دیگری است (Laclau & Zac, 1994 و Laclau 1996). در این فضا است که آن‌ها

¹³A priori

¹⁴Key signifiers: Nodal Points, Master Signifiers, Myth.

¹⁵Discourse elements

¹⁶Exclusion

¹⁷Fields of discursivity

¹⁸Contingent

«تخاصم»^{۱۹} را به عنوان مبنای شکل‌گیری گفتمان‌های سیاسی مطرح می‌کنند. «گفتمان» در نتیجه-ی دنباله‌ی از تخاصم‌ها بوجود می‌آید. معنای سیاسی یک جنبش از آغاز مشخص نیست بلکه کاملاً به هم‌بندی هژمونیک با سایر تلاش‌ها و تقاضاها مرتبط است (Laclau, 1985, 1990, 1996). همچنین لکلاء گفتمان‌ها را از لحاظ منطق فرمال برساخت به دو گونه‌ی دموکراتیک و پوپولار تقسیم می‌کند. گفتمان‌های دموکراتیک با به کار انداختن منطق تفاوت (تکیه بر بُعد انضمامی مطالبات و جزئی) و تقویت زنجیره‌های تفاوت برساخت می‌شوند. بلعکس گفتمان‌های پوپولار با به حرکت انداختن منطق هم‌ارزی (در کنار هم قرار دادن مطالبات و فراتر بردن آن‌ها از جزئیت خود) و تقویت زنجیره‌های هم‌ارزی شکل می‌یابند. (لکلاء، ۱۳۸۸)

بنابر آن‌چه بنا بر آن‌چه گفته شد فرضیه‌ی این پژوهش بدین شکل خواهد بود:

«گفتمان سیاسی سبز از طریق ارائه‌ی «هم‌بندی»^{۲۰} و «صورت‌بندی»^{۲۱} جدیدی از «دال‌های شناور»^{۲۲} گفتمان هژمونیک، با غلبه‌ی زنجیره‌ی هم‌ارزی بر زنجیره‌های تفاوت و با منطق گفتمانی پوپولیستی ساخته شد».

۴-۱ اهداف پژوهش

نظر به چارچوب نظری اتخاذ شده، این پژوهش ساخته شدن سوژه‌های سیاسی سبز را در راستای ظهور گفتمانی تازه معرفی خواهد کرد و سعی دارد تا در ترسیم جغرافیای این گفتمان نوظهور بکوشد. چگونگی خلق سوژه‌های سیاسی سبز از دل بدنه‌ی سیاسی کشور و سازوکار گفتمانی‌یی که هویت-بخش این جریان است محور این پژوهش است. این پدیده با بررسی گفتمان‌های متخاصم و ردیابی سوژه‌های درگیر در تجلی‌گاه‌های آن مورد تدقیق قرار خواهد گرفت. به بیان دیگر برای این پژوهش،

¹⁹Antagonism

²⁰Articulation

²¹Formation

²²Floating signifiers

سوژگی و یا به عبارتی هویت‌یابی سیاسی معلول به وجود آمدن گفتمانی سیاسی است که سوژه‌های خود را بر ساخت می‌کند.

این پژوهش دو هدف پایه‌یی را دنبال می‌کند: اول این که سوژه‌های سیاسی چگونه شکل می‌گیرد و این سؤال کلی در مطالعه‌ی موردی ما به این گونه تحدید می‌شود که «سوژه‌ی سیاسی سبز چگونه ساخته شد؟» که این هدف به تبارشناسی این هویت و بالاخص «تبارشناسی گفتمان سیاسی سبز» منجر خواهد شد و این که چگونه زمینه‌های بروز آن فراهم شد. علاوه بر پررنگ کردن چگونگی فرایندها و هم‌بندی‌هایی که منجر به شکل‌گیری چنین هویت سیاسی‌یی می‌شود، در مقام بعد، این پژوهش به طور خاص قصد دارد تا در سطح تحلیل، منطق «مطالبه» را در برابر منطق «طبقه» قرار دهد. لذا پرسش محوری این پژوهش این است که شرایط گفتمانی‌یی که منجر به ظهور این «تخاصم»^{۲۳} شد، چه بود؟

در این‌جا توضیح این نکته بسیار ضروری به نظر می‌رسد که این پژوهش به دنبال «چرایی» بوجود آمدن گفتمان سیاسی سبز و سوژه‌های مربوط به آن نیست. لذا درگیر مسئله‌ی ریشه یا خاستگاه آن نخواهد شد. این پژوهش اساساً در پی درکی فرمال صورت می‌گیرد و حتی‌المقدور از بررسی محتوایی فاصله می‌گیرد به این امید که پژوهش‌یی آکادمیک را به ورطه‌ی بازی‌های سیاسی نیآلاید. از آن‌جا که چارچوب نظری در نظر گرفته شده برای این پژوهش بر منطق فرمال شکل‌گیری هویت‌های سیاسی متمرکز است لذا این امکان را فراهم می‌سازد تا با تمرکز بر چگونگی شکل‌گیری گفتمان‌های رقیب و سوژه‌های سیاسی مربوط به منطق بوجود آمدن این شکاف سیاسی بپردازد. همان‌طور که در آغاز اشاره شد، نظریه‌های معطوف به «امر سیاسی» و «هژمونی» و بدیل‌های نظری از جمله «نظریه گفتمانی لکلاء و موفه» در تحلیل شرایط ذکر شده و با توجه به خصوصیات جامعه ایران، کارا تر می‌نمایند. لکلاء و موفه سعی در توضیح این دارند که چگونه بر ساخت گفتمانی سوژه^{۲۴}، هم‌اره به هم-

²³Antagonism

²⁴Discursive construction of subject

بندی‌های جدید و حادث گشوده است و نه شرایط از پیش دانسته‌ی همیشگی (Laclau & Mouffe, 1985).

۴-۱ پیشینه‌ی پژوهش

تا جایی که پژوهش‌گر در منابع به‌روز جستجو کرده است، هنوز ادبیات آکادمیک پیرامون «گفتمان سبز» تولید نشده است. البته، بسیاری از فعالان سیاسی و روشنفکران و اساتید دانشگاه‌ها در مصاحبه‌ها، مقالات و وب‌نوشته‌های خود به این مسئله از زوایای گوناگون پرداخته‌اند اما هنوز کتاب یا مقاله به شکل آکادمیک و دارای چارچوب نظری خاص و یا روش‌شناسی آکادمیک تولید نشده است. ناگفته مشخص است که با چارچوب نظری اتخاذ شده در این پژوهش، مطالعات موردی فراوانی در کشورهای گوناگون صورت گرفته است. (برای مثال رجوع کنید به Howarth, Norval & Stavrakakis, 2000). در این‌جا سعی می‌شود مروری گذرا بر تحلیل‌های ارائه شده از این مسئله داشته باشیم. سعی شده است موارد پیش‌رو، سرنمونه‌هایی از جنس‌های متفاوت تحلیل باشند. لازم به ذکر است طبعاً به علت ثبت نشدن آکادمیک و طبقه‌بندی نشده‌ی این یادداشت‌ها، مواردی هم از این گونه تحلیل‌ها دیده نشده‌اند.^{۲۵}

حسین بشیریه^{۲۶} در پرسشی پیرامون چگونگی شکل‌گیری جنبش سبز اذعان کرد وقوع جنبش سبز را نمی‌توان با عواملی مثل بحران اقتصادی، ناکارآمدی حکومت و یا بروز نارضایتی عمومی توضیح داد. او معتقد است در مورد ایران ترکیبی از سه عامل که معمولاً در تئوری‌های سیاسی به عنوان دلیل بروز این جنبش‌ها قلمداد می‌شوند با هم نمود پیدا کرده است: عامل اول، فاصله یا تضادی تحمل‌ناپذیر بین خواسته‌ها و توقعات مردم قبل از انتخابات با سرکوب‌خشن حاکمیت در روزهای بعد از آن؛ عامل

^{۲۵} در مورد ارجاع دهی این بخش باید گفت، مرجع آغازی و یا پایگاه اینترنتی صاحب امتیاز در بسیاری از این مصاحبه‌ها و وب‌نوشته‌ها معین نیست و توسط مراجع متفاوت در فضای مجازی پخش شده است لذا در برخی موارد از آوردن منبع تعمداً خودداری شده است.

^{۲۶} استاد دپارتمان علوم سیاسی دانشگاه سیراکیوز آمریکا در مصاحبه با رادیو فردا

دوم، «شکل‌گیری و انسجام عناصر جامعه مدنی» در اثر دوره‌های سازندگی و اصلاحات؛ و بالاخره عامل سوم «یعنی تعمیق شکاف در بین حاکمان و بیداری افکار عمومی».

اسلاوی ژیزک، نظریه‌پرداز انتقادی اسلونیایی‌تبار، جنبش سبز را در راستای بازگشت به ریشه‌های انقلاب امام خمینی و شرایط پیش از «انحراف» انقلاب می‌داند. او که از انقلاب ایران به عنوان «واقعه سیاسی اصیل» یاد می‌کند، جنبش سبز را «بازگشت سرکوب‌شدگان» انقلاب امام خمینی می‌داند و دست آخر، عنوان می‌کند که در اسلام پتانسیلی حقیقی برای دریافت یک «اسلام خوب» وجود دارد و بدین شکل به ریشه‌های دینی جنبش سبز اشاره کرده و نقش آن را پررنگ می‌داند. به نظر ژیزک، جنبش سبز در قالب جدال میان لیبرال‌های غرب‌گرا و بنیادگرایان ضد غرب نمی‌گنجد.

شادی صدر، «وجه همگانی بودن جنبش سبز» را ویژگی اصلی این جنبش می‌داند به شکلی که توانسته است گروه‌ها و افرادی را به خود جذب کند که بسیاری از آنها تا پیش از این سیاسی نبوده‌اند یا حتی باوری به عمل سیاسی به عنوان یک شهروند نداشته‌اند. وی هرگونه ارتباط این جنبش با «طبقه‌ی متوسط» را شدیداً نفی کرده و تأکید دارد جنبش سبز معادل جنبش آزادی‌خواهی و دموکراسی‌خواهی مردم ایران نیست و فقط بلکه بخشی از آن است.^{۲۷}

عباس عبدی، معتقد است هر جنبش اجتماعی در پی تحقق مطالباتی است و برحسب اینکه مطالبات مذکور چیست، می‌توان موافقان و مخالفان آن جنبش را در سطح جامعه دسته‌بندی کرد. وی معتقد است برای فهم گروه‌های اجتماعی جنبش سبز، باید مطالبات آنان را خوب شناخت و جایگاه طبقات و گروه‌های اجتماعی را حول این مطالبات تعیین کرد. بنابراین او پایگاه اولیه و اصلی این جنبش را طبقه متوسط و در مرحله بعد گروهی از سرمایه‌داران غیر دولتی می‌داند. عبدی در مقابل طبقه متوسط، گروه‌های حاشیه‌نشین شهری را قرار می‌دهد، که به علت صرف درآمدهای نفتی جهت تحکیم موضع سیاسی و ثبات حکومت شود، تعداد آنان به افزایش یافته است. عبدی در کنار طبقات اقتصادی از گروه‌های فرهنگی، مذهبی و قومی نیز نام می‌برد و ادعا دارد که در عرصه قومی، گرایش غالب به

^{۲۷} به نقل از وب‌گاه جرس